یادداشت

## تهدید پایدار افراطی گری

بنیادی ترین عوامل موثر در پیدایش شـاخه القاعده در عراق که بعدها به داعش تغییر نام داد عبارتند از:

الف) انحلال حزب بعث و نیز ارتش عراق توسط پل برمر (اولین حاکم غیرنظامی امریکا در عراق) در سال ۲۰۰۳ که باعث از بین رفتن قدرت دفاعی این کشور و تشدید اختلافات قومی شد

ب) ناکارآمدی دولت و شخص نوری المالکی، نخست وزیر سابق عراق در برقراری امنیت و ثبات کامل و عدم توانایی وی در حل و فصل اختلافات فرقه ای میان قبایل سنی، شیعه و کُرد

ج) خروج نظامیان آمریکایی از عراق که از دسامبر ۲۰۰۷ آغاز شد و درست چهار سال بعد در شرایطی که شکاف‌های امنیتی و سیاسی همچنان در این کشور وجود داشت به اتمام رسید

د) بحران جنگ در سوریه و به دنبال آن حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان، قطر و ترکیه از گروه‌های تروریستی معارض دولت سوریه همچون جبهه النصره (جبهه فتح الشام) احرار الشام و القاعده.

اگر به گذشته برگردیم بحران‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می توان به تحمیل نظام دولت - ملت وستفالیایی (Peace of Westphalia) از سوی قدرت‌های غربی به منطقه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی (۱۹۱۸) نسبت داد. این بحران گاه خود را به شکل روی کارآمدن دیکتاتورهایی مانند صدام نشان می دهد و گاهی بنا بر اقتضائات خاص سیاسی و اجتماعی خود را به صورت جریان‌های ملی گرایانه نظیر ناسیونالیسم عربی متجلی می سازد و در مقیاس حادتر به صورت رشد گروهای تروریستی افراطی همچون القاعده که از گسل‌های عمیق هویتی، عقیدتی و قومی برای پیشبرد اهداف خود بهره می برند. از دیدگاهی متفاوت اگر ناسیونالیسم عربی را نوعی واکنش در برابر استعمارگری انگلیس و فرانسه در دوران جنگ اول جهانی و پس از آن تلقی کنیم، اگر آن را نوعی مقاومت ادامه دار در برابر حمایت‌های غرب و بویژه آمریکا از برخی نظام‌های مستبد و دیکتاتوری منطقه در دوران جنگ سرد بدانیم و اگر اسلام سیاسی (Political Islam) را تا حدودی زاییده ناکامی اعراب در احیای خود پس از تحمل شکست تحقیر آمیز در جنگ شش روزه با اسرائیل در نظر بگیریم، آنگاه شاید بتوان ظهور داعش را در بستر بحران ریشه دار و عمیق هویت و ناامنی در خاورمیانه مورد بررسی قرار داد. با این تفاسیر داعش تلاشی است آماس کرده و انحرافی برای پاسخ به بحران هویت در خاورمیانه، بحرانی که به دلیل ناهمخوانی نظام وستفالیایی با ویژه گی‌های خاص هویتی، اجتماعی و تاریخی منطقه، نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی و نیز وجود دولت‌های شکننده و ناکام به قوت خود باقی مانده است. داعش به عنوان فراواقعیت به شیوه ای آرمان گرایانه می کوشد با ابزار خشونت و ارعاب و جنگ از بحران هویت عبور کرده و آرمانشهر مورد نظر خود را تحت لوای خلافت اسلامی جهانی مستقر سازد. از این رو اختلافات قومی و تفرقه ای در خاورمیانه دستاویزی است که داعش از آن برای ایجاد بحران و آشوب استفاده می کند تا در بستر ناکارآمدی دولت عراق و سوریه در ایجاد امنیت، خود را به عنوان یگانه نهاد تامین کننده امنیت و یا به تعبیر مکس وبر "دولتی" که حق انحصاری اعمال قدرت و زور را داراست معرفی کند. بنابر این مادامی که مثلث دولت ناکام، بحران هویت و پروپاگاندای داعش در خاورمیانه پابرجاست، سایه خطر سلفی گری و افراط گرایی از منطقه رخت برنخواهد بست، حتی اگر داعش از نظر فیزیکی (نظامی و ساختاری) از فعالیت ساقط شود.

آزادسازی موصل و بازپس گیری احتمالی رقه در سوریه از نیروهای داعش به معنای پایان داعش نیست، به معنای پایان جنگ در این دو کشور نیز نیست. در حال حاضر نبرد با داعش به مناطق جنوب و غرب موصل و به طور مشخص به شهر تلعفر (بین موصل و مرز سوریه) معطوف شده است. از سوی دیگر داعش برخی نیروها و فرماندهان ارشد خود را پس از تحولات موصل به سمت دیرالزور روانه ساخته است، استانی مرزی در کرانه رود فرات در سوریه که به یکی از کانون‌های اصلی نبرد ژئوپلتیک میان بازیگران منطقه ای و بین المللی برای نابودی این گروه تکفیری تبدیل شده است. نکته مهم دیگر در مورد پیامد آزاد سازی موصل و به طور کلی افول داعش در عراق این است که از بین رفتن تهدید این گروه تروریستی ممکن است اختلافات میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق به ریاست مسعود بارزانی را مجدداً آشکار کند. با توجه به در پیش بودن همه پرسی استقلال کردستان عراق، تشدید اختلافات میان اربیل و بغداد فقط می تواند به سود داعش تمام شود. بنابراین می توان اینگونه استنباط کرد که رویکرد دولت مرکزی به رهبری حیدر العبادی در قبال اوضاع موصل و به طور کلی نحوه رسیدگی و پاسخگویی وی به مطالبات اقوام سنی و کرد و شیعه، مهمترین تاثیر را در آینده سیاسی و امنیتی عراق خواهد گذاشت. بی گمان تجربه جنبش سهوه ای که در سال ۲۰۰۷ توسط آمریکا و با همکاری خود نیروها و قبایل سنی در عراق به منظور مبارزه با القاعده شکل گرفته بود، هشداری به موقع برای دست کم نگرفتن داعش است. جنبش سحوه بین اواخر سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ مشابه شکست داعش در موصل لطمات جدی بر پیکره القاعده در عراق وارد کرد اما ناتوانی دولت وقت عراق در برآورده ساختن خواست و نیازهای قبایل سنی نهایتاً باعث شد القاعده خود را بازیافته و فراواقعیتی ویرانگر به نام داعش را به جان مردم عراق و سوریه بیندازد.

پاورقی

## فرجام توطئه مفتی‌های عربستان و قطر

عبدالباری عطوان نوشت: بشار اسد رئیس جمهوری سوریه در روزهای گذشته چندین بار در سخنانش به مسئله فساد در این کشور و ضرورت مقابله با آن پرداخت و این سخنان همزمان با تحولات میدانی در جنگ سـوریه، پیشـروی‌های ارتش و تضعیف مخالفان در جناح سیاسـی، شکست داعش در موصل و تنگ شدن محاصره بر این گروه تروریستی در رقه و دیرالزور سـوریه صورت می گیرد. وی در ادامه افزود: بسیاری از تحلیلگران و ناظران معتقدند که تاکید بشـار اسد بر این مسئله نشان می دهد که وی به پیروزی خود و بی اثر شدن خطرات اطمینان یافته است، از سوی دیگر توجهی که وی به انسجام نهادهای دولتی و سـاختار اصلی کشورش دارد، نشـان می دهد که وی به آینده و ساخت سوریه ای جدید نظر دارد، کشوری که در آن اشتباهات گذشته تکرار نشود. عطوان یادآور شد: زمانی که اسد پس از پدرش، قدرت را در سـوریه به دست گرفت، در روزهای نخست تمایل داشت تا به اجرای برنامه‌های سیاسـی و اقتصادی زیادی دست زند و فساد را در این کشور ریشه کن کند، از سوی دیگر وی در صدد بود تا با ایجاد برابری، طرح‌های اقتصادی سازنده ای را پایه ریزی کند اما وی تنها موفق شـد تا بخش اندکی از این طرح‌ها را اجرایی کند؛ بسیاری بر این باورند که دلیل عملی نشدن بخش اعظم اصلاحات، مخالفت نهادهای اصلی قدرت و دسـتگاه امنیتی این کشور با اهداف و طرح‌های اسد بوده است، مساله‌ای که امنیت و ثبات سوریه را به مخاطره انداخت و شکاف‌هایی ایجاد کرد تا قدرت‌های غربی و عربی از آن سوء اسـتفاده کرده و به حمایت مخالفان سیاسی و مسلح پرداختند، موضوعی که در صدد برآمد تا نظام سوریه و نهادهای دولتی آن را همانند عراق، لیبی، یمن، مصر، تونس برانداز‌ند. وی تصریح کرد که دولت سـوریه در طول سال‌های گذشته به دلیل همراهی ارتش ومردم این کشور، از تقسیم و تجزیه کشور جلوگیری کرد. هیچ دولتی در طول تاریخ به اندازه این دولت تحت فشار و توطئه‌ها قرار نگرفته بود بخصوص اینکه همه قدرت‌های جهانی، بین المللی و منطقه‌ای حامی طرح فروپاشی حکومت این کشور بودند. این تحلیلگر می افزاید: بحران روز افزون کنونی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می تواند یکی از نتایج پایداری ارتش سوریه و پایه‌های اصلی نظام این کشور در برابر طرح‌های تجزیه باشد. زمانی که کشورهای قطر و عربسـتان در سرنگونی دولت سوریه با شکست مواجه شدند با وجود اینکه آمریکا و ترکیه و کشورهای غربی با میلیاردها دلار پول و هزاران تن اسلحه از آن‌ها حمایت می کردند اما دودش به چشم خودشان رفت واختلاف‌ها وتنش‌های سیاسی وقبیله ای میان آن‌ها شعله ور شـد واین تنش‌ها سبب شده است تا آن‌ها دیگر فرصتی برای دخالت در موضوع سوریه نداشته باشند و دیگر نتوانند حامی مخالفان مسلحی باشند که برای براندازی دولت مرکزی سـوریه از آن‌ها، حمایت و تقویت می کردند. عطوان نوشت: عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان که جمله معروفش یعنی بشار اسد چه به صورت دیپلماتیک و چه از طریق گزینه نظامی باید از قدرت کنار رود در تاریخ سیاسی ثبت شد، اما در نهایت جبیر این جمله را کنار گذاشت و اکنون وی از قطر که پیشتر هم پیمان اصلی این کشور بود، می خواهد از موضوع سوریه کناره گیری کند. دولت قطر مخالف حضور ایران در سوریه بود و امپراتوری رسانه ای خود را علیه تهران به کارگرفت و خواستار خروج همپیمانان بشار اسد از خاک این کشور بود، اما امروز تمیم بن حمد امیر قطر با حسن روحانی درباره همکاری بین دو کشور بحث و گفت وگو می کند و به ایران پیشنهاد داده می شود تا این کشور در کنار پایگاه‌های نظامی ترکیه و آمریکا در خاک قطر، پایگاه نظامی احداث کند. عطوان در ادامه افزود: هیچ تحلیلگری، شش ماه پیش انتظار نداشت که موضع گیری کشورها در خصوص مساله سوریه اینگونه دگرگون شود و شخص بشار اسد نیز چنین پیش بینی نمی کرد که روزی برسد که دولت قطر را در کنار ایران و در فرسـنگ‌ها فاصله از عربستان و امارات ببیند. این تحلیلگر در پایان نوشت: شش سال گذشته بسیار برای دولت سوریه مصیبت بار بود و نیم میلیون تن از مردم این کشور کشته و بیش از ۱۰ میلیون تن دیگر نیز آواره کشورهای دیگر شدند، اما سوری‌ها درس‌های زیادی گرفتند که سـبب ایجاد یک سوریه جدید می شود، کشوری که در آن هم زیستی، برابری، آزادی و دمکراسی بر آن حاکم خواهد شد، سوریه جدید، دوستان و دشمنان خود را به خوبی خواهد شناخت و جایگاه محوری و پیشتازش را در منطقه و جهان باز خواهد یافت.

بین‌الملل

## مخالفت شورای امنیت ملی ترکیه با همه‌پرسی کردستان

شورای امنیت ملی ترکیه با برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق مخالفت کرد.

به گزارش شبکه تلویزیونی المیادین شورای امنیت ملی ترکیه اعلام کرد ترکیه برای مقابله با تهدیدهایی که از خاک سوریه و عراق متوجه این کشور است هر آنچه را که لازم باشد انجام خواهد داد. در بیانیه‌ای که پس از نشست شورای امنیت ملی ترکیه صادر شد، این شورا تاکید کرد ترکیه اجازه نخواهد داد در طول مرزهایش کشوری تروریست پا بگیرد.

این شورا خاطرنشان کرد عملاً اجرای همه‌پرسی در شمال عراق غیر ممکن است.

بیانیه شورای امنیت ملی ترکیه می‌افزاید: ممکن است برگزاری ه‌ پرسی در خصوص استقلال اقلیم کردستان عراق به نتایجی نامطلوب منجر شود.

# گسترش لابی آمریکا در جنوب شرق آسیا علیه کره شمالی

مریم شـفیعی ایرنا - ژوزف یـون نماینده ویژه دولـت دونالد ترامپ رئیس جمهـوری آمریکا هفته جاری به برخی کشـورهای جنوب شـرق آسیا سفر کرد، در حالی که تنش در روابط واشنگتن با پیونگ یانـگ به دلیل توانمندی هسـته‌ای و موشـک‌های بالستیک کره شمالی رو به گسترش است.

**گسترش لابی آمریکا در جنوب شرق آسیا علیه کره شمالی**

اگرچه تاکنون جزئیات زیادی از دیدارهای این مقام آمریکایی و مسـئولان منطقه‌ای در سـنگاپور و میانمار رسـانه‌ای نشـده اسـت، اما برخی منابع آمریکایی و آسـیایی هدف از این سـفر را اجماع و همراه کردن مسـئولان کشورهای آسـیای جنوب شرقی با آمریکا برای مهار برنامه‌های هسته‌ای «کیم جونگ اون» رهبر کره شمالی دانستند.

بـه زعم تحلیل‌گران غربی اگرچه این سـفر یک برنامه سـخت برای نماینده آمریکا در منطقه خواهد بـود، اما آمریکا در این برنامه تاکتیک کلیدی و مهم قطع درآمدهای کره شـمالی بـه دور از تحریم‌های سـازمان ملل از کشورهای جنوب شرق آسیا و فارغ از کوچـک یا بزرگ بـودن آن‌ها را مـورد توجه و پیگیری قرار داده است.

نماینـده ویژه دولت دونالد ترامپ در نخسـتین مرحله از سـفر خود به سـنگاپور رفت و در نشست «گفتمان همکاری شمال شرق آسیا» که یک مجمع چند جانبه در مباحث امنیتی بود، شـرکت کرد.

تحلیل‌گران معتقدند انتخاب کشـورها برای سفر نماینده آمریکا با انگیزه خاصی صورت گرفته اسـت. به طور مثال انتخاب سـنگاپور به این دلیل بوده که برخی شرکت‌های این کشـور از سوی آمریکا متهم شدند در سـال‌های اخیر به کره شمالی برای فرار از تحریم‌ها کمک کرده‌اند.

**یون در دومین ایسـتگاه خـود در جنوب شرق آسیا به میانمار سفر کرد**

طبق گـزارش وزارت خـزاه داری آمریـکا، تا پیش از انتخابات سـال ۲۰۱۵ کـه نظامیان قدرت را در میانمار در دسـت داشـتند این کشور یکی از خریداران اصلی تکنولوژی تسـلیحات نظامی از کره شمالی بود.

تحلیل‌گران غربی به نقل از مسـئولان آمریکایی ادعـا کردند این مـراودات تجاری بـه نوبه خود به برنامه تسـلیحاتی پیونگ یانگ کمک کرده و آن را تغذیه می‌کند.

اگرچه دوره حکومـت نظامیان در میانمار ظاهرا به پایان رسـیده است اما کره شـمالی نفوذ زیادی درمیان ارتش و نیروهای مسـلح این کشور به خاطر روابط سالهای اخیر دو کشور دارد.

«آنتونـی راگی یرو» کارشـناس ارشـد وزارت خزانه‌داری آمریکا هفته گذشـته در جریان نشستی در ایـن وزارتخانـه تحـت عنـوان بنیـاد دفاع از دموکراسـی گفت: نماینده آمریکا به جنوب شـرق آسـیا سفر کرد تا به کشـورهای منطقه یادآور شود کـه آمریـکا درمنطقه حضـور دارد و ناظر(اقدامات کشورها) است.

البته مسـئولان میانمار و سـنگاپور تاکنون در مورد علت اصلی سـفر نماینده ویژه دولت آمریکا به این کشور اظهار نظری نکرده اند.

به گزارش سـی.ان.ان، آمریکا پـس از آزمایش موشـک بالسـتیک بین قاره‌ای کره شـمالی، قطع درآمدهـای فراتحریمـی کـره شـمالی را یکی از هدف‌های مهم خود علیه این کشور اعلام کرد.

«رکس تیلرسـون» وزیر امور خارجه آمریکا نیز اخیـرا در بیانیه ای اعلام کرد واشـنگتن تلاش‌های خـود را برای همـراه کردن کشـورها بـا مقررات بین‌المللـی در روابط با کره شـمالی دو برابر کرده است.

این بیانیه پس از آن منتشر شد که وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرد کـه بانک‌های آمریکا روابط مالی خود با بانک «دندونگ» چین و شـعبات آن در کشورهای مختلف را قطع می‌کند.

دولـت آمریکا ادعا می‌کند کـه این بانک چینی به عنوان یک خـط اصلی حمایـت از فعالیت مالی غیرقانونی کره شمالی عمل می‌کند.

این درحالی اسـت که وزیر امـور خارجه چین ضمـن رد این موضـوع، این حرکـت را نیز محکوم کرده اسـت. سـخنگوی وزارت امورخارجه چین در واکنش به این موضع گیری واشـنگتن، آن را اقدام علیه کشـورهای دیگر و اعمال فشـار طولانی مدت علیـه نهادها یا افراد چینی براسـاس قوانین داخلی آمریکا دانست.

درابتدای سـال جـاری آمریـکا همچنین چند شرکت در میانمار و سنگاپور را متهم به خرید سلاح از پیونگ یانگ کرد.

سازمان ملل نیز امسـال در گزارشی شرکتی به نام «پن سیسـتم پیونگ یانـگ » Pan Systems Pyongyang را متهـم بـه اسـتفاده از شـبکه گسـترده‌ای از عوامـل، ماننـد دفاتـر نمایندگی، شـرکت‌ها و حسـاب‌های بانکی دریایـی در چین، اندونـزی، مالـزی، سـنگاپور و خاورمیانـه بـرای جلوگیـری از کارکرد تحریم‌ها علیه کره شـمالی از طریق خرید و فروش تسلیحات کرد.

اگرچـه برخـی نماینـدگان ایـن شـرکت در کشـورهای یاد شده اتهامات علیه خود را رد کردند، اما رسـانه‌های غربی در گزارش دیگری اعلام کردند که شرکت سنگاپوری چینپو Chinpo به علت نادیده گرفتن تحریم‌های سـازمان ملل علیه کره شـمالی جریمه شده است.

آمریـکا، میانمار را نیز قبـل از روی کار آمدن دولت آنگ سـانگ سـوچی از طریـق انتخابات، در فهرست کشـورهای حامی کره شمالی قرار داده بود زیرا در سـال‌های متمادی تا سـال ۲۰۱۵ اقدام به خرید تکنولوژی تسـلیحاتی موشکی از پیونگ یانگ کرده بود و آثار آن هنوز در نیروی‌های مسـلح این کشور وجوددارد. سـازمان ملل همچنین در گزارش خود اعلام کـرد که کره شـمالی بالاتریـن روابط تجـاری را با چین در آسـیای جنوب شـرق دارد و در حـال حاضر ۸۵ درصـد از واردات پیونگ یانگ از چین است.

«راگی یرو» کارشناس ارشد وزارت خزانه داری آمریـکا در مورد این سـفر گفته بود :پیـام آمریکا به کره شـمالی در این سـفر این بود که اگر تو در منطقه هسـتی ما نیز در آن جا حضـور داریم و به همه کشـورها و بانک‌های منطقه جنوب شرق آسیا هم این پیام را رساندیم که اگر می‌خواهند با آمریکا و دلار این کشور فعالیت کنند باید میان واشنگتن و پیونگ یانگ، یکی را انتخاب کنند. ناظران آسـیایی نیز معتقدند این سـفر در منطقه جنوب شـرق آسیا دارای ابعاد مختلف و از جمله انزوای کره شـمالی و بزرگ‌ترین متحد آن چین اسـت، اما پیشینه روابط سیاسـی، تجاری، تاریخی و ریشـه‌های مشـترک فرهنگـی ودیرینه این کشـورها مهم‌ترین چالشـی اسـت که آمریکا با آن در منطقه روبه‌رو خواهد شد.

# عربستان، روابط با اسرائیل یا حمایت از مسجدالاقصی

در حالی که اقدامات تحریک آمیز رژیم اشغالگر قدس علیه فلسـطینیان از جمله بسـتن درهای مسجد الاقصی همچنان ادامـه دارد، برخی از کشـورهای عربی از جمله عربستان چنان درگیر موضوع عادی سازی روابط با اسرائیل هستند که موضعی جز سکوت در قبال تجاوزهای این رژیم علیه الاقصی اتخاذ نکردند.

الجزیره در این تحلیل می نویسـد، در حالی که دیگر صدای چندانی از سـعودی در برابر اقدام‌های اسرائیل علیه مسـجد الاقصی به گوش نمی رسد، صدای سیاستمداران، اندیشـمندان و فقها علیه قطر گـوش همگان را کَر کرده اسـت؛ آن هم در برهه سیاسی که نشـانه‌هایش گام‌های شـتابان عربستان برای عادی سـازی روابطش با اسرائیل است.

سعودی و همچنین بحرین، امارات و مصر کشورهای محاصره کننـده قطر، موضع رسـمی در قبال تجاوزهای اسـرائیل در مسجد الاقصی و بسـتن درهای آن که برای اولین بار از سال ۱۹۶۹ اتفاق افتاد، اتخاذ نکردند.

عربستان با جایگاه رفیع دینی برای مسلمانان در قبال اقدام‌ها علیه مسجد الاقصی سکوت کرده است و به تبع آن صاحبان فکر و اندیشه، نویسندگان، فقها و سیاستمداران به جـای اینکه صدای خود را در قبـال این تجاوزات بالا ببرند، خواهان محاصره قطر و مردمش و تشـدید اقدامات علیه این کشـور هستند تا جایی که برخی گزینه نظامی را برای حل بحران ساختگی، پیشنهاد دادند.

در ادامه این تحلیل آمده اسـت: ثامر السـبهان وزیر مشاور عربسـتان در امور خلیج فارس در سخنانی، دشمنی اسرائیل با کشـورش در گذشـته را با بحران چهار کشور عربی با قطر مقایسه کرد و بدون اینکه نامی از دوحه ببرد، گفت: برخی کشورها از اسرائیل هم برای عربستان منفورتر هستند.

در ادامه این تحلیل آمده است: ناظران می گویند بدتر از این سکوت سنگین عربستان، تلاش‌هایی است که برای از بین بردن اصل رابطه مسـلمانان با مسـجد الاقصی در حال انجام اسـت؛ نمونه آن اظهارات احمد بن سعید القرنی مفتی سـعودی اسـت که چندی پیش به بهانه حفظ خون فلسـطینیان گفته بود «مسـجد الاقصی را برای یهود رها کنید».

وی در صفحـه شـخصی خود در توییتر نوشـت: آیا حرمت خون مسـلمان فلسـطینی کمتر از مسجد الاقصی است؟ از خدا بترسید و خون مردم را مباح نکنید، چه کسی گفته است که مرگ در راه مسجد الاقصی شهادت است؟

الجزیره نوشـت: این سـخن، رویکرد سیاسی جدید عربستان در قبال مسئله فلسطین، قدس و مسجد الاقصی را نشـان می دهـد و آن تلاش برای برداشـتن گام‌هایی جهت عادی سازی روابط با اسـرائیل است؛ موضوعی که روزنامه‌های غربی و اظهارات شـخصیت‌های سـعودی و اسـرائیلی بر آن مهر تایید می زنند. این تحلیل می افزاید: طبق گزارش‌های منتشر شده است، عربستان در حال حاضر به همراهی سـایر کشـورهای محاصره کننده قطر، زمام عادی سـازی روابط با اسرائیل را با سرعت بیشتری به جلو هدایت می کند. هرچند مصر با تل آویو رابطه دارد و امارات وبحرین نیز بنابر اعلام روزنامه‌های اسرائیلی، روابط پنهانی با تل آویو دارند. روزنامه آمریکایی وال اسـتریت ژورنال در ماه می گذشته (اردیبهشـت/ خرداد) در مطلبی نوشت که ریاض پیش از سفر مشهور ترامپ به این عربستان، آمادگی خود را برای برقراری روابط سیاسی عادی با اسرائیل بدون هیچ شرط و شروطی اعلام کرده بود. ترامپ هم کمی پس از سـفرش به عربستان تاکید کرده بود: گام‌های بزرگی در مسیر صلح در خاورمیانه برداشته شده و «اتفاق غیر منتظره بزرگی» در راه است. نباید از اینکه غافل ماند که بسیاری از صاحبان فکر و تصمیم گیران سیاسی، دوستی با اسرائیل را در مقابل دشمنی با ایران تبلیغ می کنند. انور عشقی ژنرال پیشین سعودی و رئیس مرکز مطالعات سیاسی و راهبردی جده با بیان اینکه تغییراتی در افکار عمومی عربسـتان در قبال اسـرائیل ایجاده شده اسـت، تاکید کرد: از میان آراء و نظـرات مـردم در توییتر دریافتیم کـه آن‌ها می گویند حتی یک مورد دشـمنی هم از اسرائیل علیه عربستان ثبت نشده است. در همین راسـتا، دحام طریف الغنزی خبرنگار و نویسـنده سعودی در صفحه شـخصی خود در توییتر از عربستان خواست که زمام امور را به دست بگیرد و سفارت اسرائیل را در ریاض به منظور مقابله با ایران باز کند.

بسـیاری از تحلیل گران طرح تبلیغات فکری و رسانه ای بـرای مثبت جلوه دادن اسـرائیل را نقشـه محمد بن سـلمان ولیعهد مـی دانند تا از این طریـق زمینه را برای افکار عمومی عربستان جهت وقوع هرگونه اتفاق احتمالی با اسـرائیل فراهم کند. روزنامه جرازلم پسـت اسرائیل نیز با اشـاره به توافق مصر و عربستان در خصوص دو جزیره تیـران وصنافیر و موافقت تل آویو با آن نوشـت، این امر بیانگر ادامه تماس‌های پنهانی میان عربسـتان و اسرائیل و وجود منافع مشـترک میان آن‌ها است. روزنامه یدیعوت آحرونوت نیز در این باره تاکید کرد: عربسـتان و اسـرائیل مذاکرت برای برقراری روابط تجاری را آغاز کردند و امکان دارد که به زودی خط هوایی مسـتقیم میان عربسـتان و اسـرائیل در آینده راه اندازی شـود. الجزیره در پایان می نویسد: سکوت عربستان و کشورهای محاصره کننده قطر در قبال مسئله مسجدالاقصی تکمیل کننده ادامه اقدامات لازم جهت عادی سازی روابط با اسرائیل است. این مسئله با محاصـره قطر نیز که بلافاصله پس از سـفر ترامپ به ریاض شـروع شد مرتبط است. سکوت عربستان نشانه ای آن است که ریاض می خواهد با مشارکت اسرائیل، منطقه را وارد مرحلـه جدیدی کند؛ حتی اگر به قیمت فراموشـی مسجد الاقصی و مبانی و اصول مسلمانان تمام شود.

# نتانیاهو: تل‌آویو مخالف آتش‌بس در سوریه است

نخسـت وزیر رژیم صهیونیسـتی می‌گوید، به رئیس جمهور فرانسه گفتم که اسرائیل استقرار پایگاههای زمینی، هوایی و دریایی ایران در سـوریه و لبنان را تحمل نخواهد کرد.

بـه گزارش گـروه بین الملـل خبرگـزاری فارس به نقل از جروزالم پسـت، بنیامین نتانیاهو نخسـت وزیر رژیم صهیونیسـتی که به پاریس سـفر کرده است بعد از دیدار با امانول ماکرون رئیس جمهور فرانسه به خبرنگاران اسرائیلی گفـت: علاوه بر حـزب الله در لبنان، حمـاس نیز به دنبال محکم کردن جای پای خود در آنحاست و من از فرانسه که در لبنان نفوذ زیادی دارد خواسـتم که از نفوذ خود در لبنان برای مقابله با آن استفاده کند و از تبدیل این کشور به پایگاه سازمان‌های تروریستی جلوگیری کند.

وی افـزود: من همچنین مسـاله تلاش ایـران برای اسـتقرار پایگاه دائمی زمینی، هوایی و دریایی در سـوریه را مطـرح کردم و گفتم که اسـرائیل مخالف توافق آتش بس میان آمریکا و سوریه اسـت چرا که این موضوع ایران را از مرزهای اسرائیل دور می کند اما حضور نظامی این کشور در سوریه را دائمی می‌کند.

وی افزود: اسـتقرار پایگاه‌های نظامی ایران در سوریه چیزی است که اسرائیل هرگز آن را تحمل نخواهد کرد.

نتانیاهـو همچنین گفته، ایران نه تنهـا مایل به اعزام مستشـار نظامی به سوریه بلکه به دنبال ایجاد پایگاه زمینی در آنجاسـت امری که میتواند معادلات منطقه را تغییر دهد. وی افزود: تل آویو مخالف توافق آتش بسـی است که ایران را قادر می‌کند حضور نظامی دائمی در سوریه داشته باشد.

یک مقام اسـرائیلی نیز به روزنامه‌هاآرتص گفته است: «توافق آتش بس در جنوب سوریه توافق بسیار بدی است و نیازهای امنیتی اسرائیل را مد نظر قرار نداده است.»

نخسـت وزیر رژیم صهیونیسـتی گفت تل آویو توافق آمریکا و روسـیه برای آتش بس در جنوب سـوریه را قبول ندارد. روسـیه و آمریکا دو هفته پیـش برای برقراری آتش بـس در مناطق همجوار با بلندی‌هـای جولان و مرز اردن توافق کردند.

# نسخه موگرینی برای حل بحران عربی

موگرینـی در کنفرانس مطبوعاتی در بروکسـل با اشـاره به این که قبل از سفر وزیر امورخارجه فرانسه به منطقه خلیج (فارس)، با وی درباره بحران به وجود آمده در این منطقه گفت و گو کرده اسـت، افزود: برای حل بحران خلیج (فارس) یکشنبه آینده به کویت می روم.

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ادامه افزود: بحران خلیج (فارس) بر بسیاری از موضوعات منطقه‌ای تاثیرات بدی داشته است و باید از شدت گرفتن تنش به وجود آمده دوری کرد.

ژان ایوز لو دریان وزیر امور خارجه فرانسه پیشتر در سفر خود به چهار کشور عربی (عربستان، قطر، کویت و امارات) تلاش کرد تا سطح تنش‌ها در روابط کشورهای عربی را کاهش دهد.

رئیس دسـتگاه دیپلماسی فرانسـه روز یکشنبه در آخرین روز از سفر دو روزه خود به منطقه خلیج فارس در ابوظبی از کشورهای درگیر در بحران کنونی این منطقه خواسـت تا برای انجام مذاکرات و حل بحران بی‌سابقه بین قطر و همسایگانش، آرامش خود را حفظ کنند.

موگرینی ششمین مسـئول بین المللی است که در روزهای آینده برای بررسـی بحران کشورهای چهارگانه با قطر به منطقه خواهد آمد.

در چند روز اخیر، لوردیان وزیر امورخارجه فرانسـه، «زیگمـار گابریل» وزیـر امورخارجه آلمـان، «جفری فلتمن» معاون دبیرکل سـازمان ملل متحد و «بوریس جانسون» وزیر امور خارجه انگلیس و «رکس تیلرسون» وزیر امور خارجه آمریکا به منطقه سفر کرده‌اند.

# روش جدید قطر در برخورد با کشورهای مخالف

العطیه در مصاحبه با شـبکه "TRT" ترکیه تصریح کرد: اوضاع قطر در دهه هشتاد قرن گذشته همانند وضعیت نیکاراگوئه بود تا جاییکه به ناچار به دادگاه بین المللی متوسل شـد و در نهایت موفق شد خسـارات خود را به طور کامل دریافت کند.

وزیر دفاع قطر پیش از این هم گفته بود: قطر کشوری که به راحتی بلعیده شود نیست. کشورهای همسایه به دنبال تغییر نظام در قطر هسـتند. این موضوعی واقعی اسـت و فرضی نیست. شروطی که عربستان، امارات، بحرین و مصر تحمیل کرده‌اند تعدی به حاکمیت کشور است. قطر از پشت خنجر خورده است.

در همین حال، "شـیخ احمد بن جاسـم بن محمد آل ثانی" وزیر اقتصاد و بازرگانی قطر نیز از قصد کشورش برای شـکایت به دادگاه بین المللی و درخواست غرامت به علت خسارات ناشـی از اقدامات کشورهای محاصره کننده علیه این کشور خبرداد.

وزارت اقتصـاد و بازرگانی قطر در بیانیه ای اعلام کرد: وزیـر اقتصاد و بازرگانی در دیدار با گروهی از کارشناسـان و حقوق‌دانـان و تعدادی از روسـای اقتصـادی و تجاری سازمان‌های بین المللی در ژنو سوئیس از تصمیم مذکور خبر داد. در این بیانیه همچنین آمده اسـت: شرکت‌های قطری و خارجی فعال در این کشـور، محاکمه کشورهای محاصره کننده را خواستارند و درخصوص جبران خسارات وارده اقدام خواهندکرد.

ایـن وزاتخانه تاکیـد کرد که دراین بـاره با یک دفتر حقوقی تخصصی در سـازمان تجارت جهانی در ژنو، برای بررسـی مسـائل مربوط به اقدامات غیر قانونی کشورهای تحریم کننده قطر وارد مذاکره شده است.

# سال خونین افغانستان؛ افزایش تلفات غیرنظامیان

تلفات غیرنظامیان در نیمه نخست سال ۲۰۱۷ میلادی و در جریـان درگیری‌هـای نظامی در افغانسـتان به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

به گزارش سـازمان ملل متحد در شش ماهه نخست سال جاری میلادی در جریان درگیری‌های نظامی در داخل افغانستان بویژه در کابل، پایتخت ۱۶۶۲ غیرنظامی کشته و ۳۵۸۱ نفر نیز زخمی شده‌اند.

بر این اسـاس حـدود ۴۰ درصد این تلفات ناشـی از حملات و انفجار مین‌هـا و بمب‌های کنار جاده‌ای بوده‌اند. این گـزارش می افزاید که عامـل ۶۷ درصد از این تلفات شورشیان مخالف دولت هستند.

به گزارش دفتر نمایندگی سـازمان ملل در افغانستان (یوناما)۲۰ درصد تلفات غیرنظامیان مربوط به کابل هستند و بیشترشان در پی انفجار یک بمب در ماه مه جانشان را از دست دادند. انفجار بمب جاسازی شده در یک تانکر آب که مرگبارترین این حملات گزارش شـده جان دست کم ۱۵۰ غیرنظامی را گرفت و ۵۰۰ زخمی دیگر برجای گذاشت.

درگیری‌های نظامی در افغانستان از ژانویه سال ۲۰۰۹ تاکنون از میان غیرنظامیان ۲۶ هزار و پانصد کشـته و ۴۹ هزار زخمی برجای گذاشته است.